بسوی سوسیالیسم
ضمیمه ۲
شماره ۳ آبان ۵۹ — ارگان تئوریک ـ سیاسی اتحاد مبارزان کمونیست — ۱۰ ریال

سوسیال شوینیسم:

رزمندگان به زیر پرچم کار ۵۹

[illegible]

رزمندگان [illegible] کار ۵۹ [illegible] کار ۵۹ [illegible]

[illegible]

ما نمی‌توانیم بازمان بوده و لیبرال‌ها که زرمندگان مبارز می‌بوده و برادر قدیمی و کهنه لیبرال‌ها، نتوانند کمونیسم طبق «شوری!» وارد می‌کند. «حکومت مداخلتی داشته باشیم». زرمندگان نیز عامه هر عضو دیگر جامعه آزاد بوروزوا است. در استحکام بوروزوا خود آزادانه و عامه هر خود بوروزوا، عاملی که در معنوی رسوائی قرار گرفته می‌بوده اختلاف را مدون داشتن هم مخلیلی از مفهوم آنها می‌بوده انکار کند. آنچه برای ما مهم است اینست که زرمندگان در لمانی با گسیم جنگ ایران و عراق را «ادامه سیاست امپریالیسم» نامیده و انجام مبارزه و مبارزه‌ای «بعنی جنگی که امپریالیسم و التمع ملی» معرفی می‌کند و اعلام می‌کند: «بعنی دائم باید بر ضد امپریالیسم بودن، خود، ذهن طرف جنگ، از بطن منافع قرار و ضرورتی است توده‌های جنگی سرزمین و ساخت طرفین تفاوت فراوان دارد». رسالانه زرمندگان در اسناد اسرار و ذکر «نگاه کنید» [illegible] مبارز کمونیستها در مقابله با تهاجم ... او را «زیستم جمهوری اسلامی همو در بنامند».

قبل از شروع بحث موضوع، اگر فرض کنیم که زرمندگان را درباره ماهیت جنگ، نقش رژیم جمهوری اسلامی و مناسبت تاکتیک کمونیستها، که در مقاله «درباره جنگ و کمونیستها» آورده شده است دیگر می‌باشیم:

۱) جنگ ایران و عراق صورت جنگی بخاورزی از جانب عراق و جنگی دفاعی از جانب ایران را بخود گرفته است. بخاور عراق نه فقط بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، بلکه بجنبش و فرایند بر علیه آزادی و استقلال سیاسی ایران می‌باشد.

۲) رژیم جمهوری اسلامی گرچه به دفاع از استقلال سیاسی ایران برخاسته، اما بیش از هر چیز درپی قبضه حکومت مستقل و انقلابی خود می‌باشد.

۳) اینچنین جنگی هر چند که عمدتا بوسیله نیروهای ضد انقلابی هدایت می‌شود، اما بجنگی بحقوب نمی‌گردد. «جنگی دفاعی در برابر تجاوز عراق و سلطه‌های امپریالیسم جنگی بر حق بوده و در جهت منافع ملی ایران بر علیه امپریالیسم و به نفع توده‌های ظلم می‌باشد، چرا که مبارزه در راه استقلال سیاسی و جلوگیری از مداخله سیاسی امپریالیسم نقش مؤثری در پیش‌برد روند مبارزه طبقاتی ایران داشته ...». «توده‌های مردم ما ... بیهوده اصرار نخواهند داد که استقلال سیاسی بنا ما سند گذشته با ارادهٔ امپریالیستی گردد و آن سیاست ضد سلطهٔ سیاسی دوباره احیا گردد». آنها در اول به دفاع از حکومت، بلکه برای حفظ دستاوردهای انقلاب و برای جلوگیری از برباد رفتن آن مقدار انقلابی که توانسته فراهم بهمین بدست آورده بودند، راهی جبهه نبرد سیاسی و گروه آن عراقی شدند». (باکلمه و شماره‌گذاری از ماست).

آن مقدار انقلابی که «توده‌های مردم ما» توانسته فراهم بهمین بدست آورده بودند، عبارتست از حکومت انقلابی خمینی و شرکاء که سیاست «مدیت با امپریالیسم» و «به سر توده‌ها» که امپریالیسم آمریکا و عراق برای سرنگون کردن این حکومت دست به تهاجم زده‌اند و رژیم جمهوری اسلامی، در هر سر، این تجاوز از آن مقدار استقلال سیاسی ایران انجام می‌گیرد، کمونیستها نیز بوظیفه که ما عمدتا مستقل برای دفاع از استقلال سیاسی ایران بطور مستقل از حکومت سیاسی و با مقدار این استقلال سیاسی که داریم به دفاع برخیزیم!

چقدر لازم بود که زرمندگان اینجا نیز هیچ ربط به همان مضمونی را که اکثریت در «نگرانی» بود مضمون اعاده درجه کلمه فرموده کرده است. به این نوع مطالب، این سوره و بند کلماتی که به روز درآمدن فشار، تکانه، تداعی رنگ و بوی «حق» آنها فقط بوده بیان کند! «کمونیست» بی ضمیر روز و بدون از جنبه کلمه می‌گوید: «دفاع از انقلاب، آزادی و استقلال ایران در لحظه حاضر یعنی دفاع از جمهوری اسلامی!» و اساسا راه‌گذرگر دارای مرحله‌ای زرمندگان مبارزه که کارگران را تابعی جنبه به انقلاب و آنها شرکت نموده‌اند زیرا که تاخوان را ایران بگیرند، کارگر مبارزه سیاسی و کشتری مطرح را نیز برداشته کرده است.

«حکومت اسلامی یک حکومت وابسته به امپریالیسم و [illegible] ایران [illegible] ... «تراهالیس جنگ و یک جنگ مبارزه‌گرانه از طرف قرار می‌دهیم ...» «بعضا به این دلیل که جنگ قرار با حکومت اسلامی بر سر از آنکه با حکومت اسلامی باشد باطل ماست. زیرا اگر در نتیجه این جنگ، وار طریق این جنگ حکومت اسلامی سرنگون شود، ایران استقلال سیاسی خود را از دست خواهد داد» و نتیجه می‌گیرد: «کمونیستها باید در مقدمه مبارزه علیه بحاور عراق و سخنان آن باشند... هرنوع عمده کردن مبارزه با ارتجاع داخلی در لحظه کنونی انحراف از الزامات مبارزه انقلابی است که در عمل به تضعیف مواضع مردم مادر برابر امپریالیسم منتهی می‌شود».

(راه‌کارگر ۱) «برای دفاع از میهن»

سرمقاله، پیچ و تاب موردی‌های زرمندگان برای بیان مرجع و ساده موضع خود سنا با به خاصیت‌های جدیدشان، زرمندگان برد می‌کرده و ما قبل از آنکه وارد بحث‌های موضوع (موضع زرمندگان) شویم، باید بررسی استدلالات موضوع نوشته‌ای را به انجام برسانیم. چنانچه که از نقل قول‌های فوق برمی‌آید، نظام استدلال موضوع نوشته‌ی زرمندگان، راه کارگر و اکثریت درباره جنگ حاضر عبارتست از: ۱) حکومت خمینی و شرکاء «دولتی است تابوسته» «مستقل»، «ملی»، «پاسدار استقلال ایران» و «ضد امپریالیست»! ۲) امپریالیسم آمریکا برای سرنگونی این دولت مستقل و «ضد امپریالیست» بر علیه استقلال سیاسی ایران دست به تجاوز زده تا دولتی وابسته به خود را برکار آورد! ۳) بروکراسی موظف است که برای دفاع از استقلال سیاسی ایران در جهت حکومت اسلامی، با در اتحاد و «خصوص» با آن با بحاور امپریالیستی مبارزه کند.

این بر سهیم را یادآور می‌گردیم که هرگاه، جمعیت سوسیال دموکراسی از دولت «مستقل و وابسته» سخن می‌گویند درحقیقت امر از ذکر خصلت طبقاتی این دولت طفره می‌روند. سخن ایشان عمده جا بر سر دولت‌های بورژوائی «وابسته»، «مستقل» و «ملی» است. از جرگه بورژوازی هم که جمعیت ما این حد شعبه و شعاع آنچه جزئی از بورژوازی است! این «وابستگی» و «استقلال» دولت بورژوائی جمهوری اسلامی است که موجه تحلیل اقتصادی سوسیال دموکراسی می‌باشد. موضوع را بصریح بدهد آغازیان با تکلیف کارگران روشن باشد. با این مقدمه آنچه ما از دیدگاه روش مقدم ما است، این است: «موضوع را در مسئله مارکسیسم درآمده‌اند و بعضی با طرح مفهوم بورژوازی را در مسئله کارگری ابداع می‌کنند. روش ما بر سهم امر دولت بورژوائی «مستقل» «ملی» و «وابسته» و موارد کلی [illegible] سیاسی کشور در پایه‌ای [illegible] سیاسی، تدبیس «با امپریالیسم» [illegible] دولت بورژوائی مستقل [illegible] بورژوائی [illegible] هر مطالعه [illegible] بورژوائی [illegible] بورژوازی [illegible] دولت بورژوائی [illegible] بر علیه [illegible] حکومت [illegible] ایران [illegible] کامل [illegible] حکومت [illegible] کارگری و کمونیست [illegible] اتحاد [illegible] جنگ کمونیستی [illegible] «ایران» بلکه در پی اتحاد آن سیاست [illegible] لازم در خصوص بورژوازی ایران می‌باشد که [illegible] این شعبه را در انجام بورژوازی دنیائی اخیر ایران می‌کوشد. قطعی انقلاب ایران [illegible] این موارد را مشروحا روشن می‌سازیم.

این موضوع که دولت بورژوائی مستقل و استقلال سیاسی کشور تحت سلطه هیچ تناقض و ضدیتی با امپریالیسم ندارد، و البته به روشن‌ترین وجه در کاریکاتوری از مارکسیسم «بیان» نشده است، گفتن می‌شود:

«تنها با مرکز از «کمونیستم امپریالیستی» و بعضی

←

از یک مارکسیست کاریکاتورشده است که می‌توان آگاهانه برای مثال این پدیده جای سیاست امپریالیستی را یافته گرفت. از طرفی منگ امپریالیستی حاضر، نمونه‌هائی ارائه میدهد، که چگونه می‌توان از طریق تبرومندی پیروزیهای مالی و منافع اقتصادی، یک دولت کوچک را که از نظر سیاسی مستقل است به مبارزه میان قدرت‌های بزرگ کشاند (انگلستان و پرتغال). و از طرف دیگر، تجاوز به دموکراسی ملت‌های کوچک و حتی صنعتی (چه از نظر اقتصادی و چه سیاسی) با ماهیت جنگ (امپریالیستی) و یا ماهیت پیوستن جنگ‌های کاملی به دشمن (چک‌ها) علیه "خاطیان" امپریالیست‌شان می‌کرده از هم اکنون. این امر نه تنها ارتباط سرمایه مالی قابل تحقق است، بلکه کاهش برای کارتل‌ها و تراستها بخاطر سیاست امپریالیستی شان، برای جنگ امپریالیستی شان، و بخاطر ایجاد عملیات نظامی "شان" به خطر ساقط، موجب رونمود موجه تجاوز نظامی است. فراموش کردن عملکرد مناسبات سیاسی و استراتژیک و تکرار مجدد و بیمعنای کلمه از برگرده "امپریالیسم" هیچ ربطی به مارکسیسم ندارد". (تاکید از ماست).

در ادامه مهم در نقل قول ذکور از لنین مبارزه‌ای: (۱) استقلال سیاسی کشور تحت سلطه در نظر سرمایه مالی (ما اصرار داشتیم که لنین در کاربرد تصور سرمایه مالی را به مفهوم کلی امپریالیسم بکار می‌برد) مفاهیم تناقضی است. باید تمام منکر تناقض و "تعیین" (تاکید از ماست) به مفهوم مناسبات اقتصادی. (۲) تاثیر اوضاع برای کارتل‌ها و تراستها و منافع مشترک برای دولت‌های آنها "استقلال سیاسی" یک کشور تحت سلطه موجود است. اینها موجه به نکته اول کافی است تا متهم استقلال موضوعات سیاسی را بصورت مطلق در رابطه دولت‌های سرمایه‌داری مالی به دولت‌های تحت سلطه و مستقل بورژوائی را عنوان "خلوت" بورژوازی ملی به "قابل تحمل" معنی باشد. و تضاد منافع امپریالیستی مناسبات کار و سرمایه را؟ در تحت سلطه است که تضاد کشمکش میان دولت بورژوازی و رابطه سیاسی بورژوازی با پرولتاریا: دولت بورژوازی و مناسبات‌های بورژوازی مربوط باشد، سرمایه وجود و انتقاد این مناسبات امپریالیستی کار و سرمایه، حتی در مورد تحت استقلال سیاسی کشور تحت سلطه، نمی‌تواند در شرایط عدم وابستگی سیاسی، خلوتی و اداری دولت بورژوائی این کشور به دول امپریالیستی، بورژوازی و دولت او در قبال مبارزه پرولتاریا و اولا در قبال مبارزه دموکراتیک دیگر اقشار مردم، ناگزیر از طرح و اتخاذ سیاست‌هایی وارد امپریالیستی است. تولید و بازتولید این سیاست‌ها از تضادهای امپریالیستی از روابط روبنائی سیاسی مناسبات خود را بیش از دولت نمی‌تواند. چنین مسئله‌ای چه در مورد مناسبات دولت مستقل و انگار دولت مستقل بورژوائی که به نام پرولتاریا تحت می‌گیرند باید مشاهده کرد که چنین دولتی در مبارزه پرولتاریا تابع بورژوازی و برای تغییر قدرت سیاسی چه جائی دارد؟ باید نشان دهند که دولت سنی و مستقل بورژوائی کدام بیشتر شرط‌های حرکت پرولتاریا را در تغییر قدرت سیاسی و سنج تا حد های دولتی برای سوسیالیسم را بوجود می‌آورد؟ باید نشان دهند که دولت ملی و مستقل و یا وابسته بورژوائی چه مکانیزم مطالبات پرولتاریا دارد؟ مدل پرولتاریای ایران این حرکت که آیا بورژوازی ایران مستقل تلاش را در دفاع از بورژوازی امپریالیستی پرولتاریا سازمان می‌دهد و یا اینکه تحت قیمت بورژوازی یک کشور امپریالیستی؟ اینکه بورژوازی ایران چه مناسبات سیاسی متقابلی با بورژوازی کشور امپریالیستی دارد، حصول پرولتاریا و مبارزه پرولتاریا در حرکت امپریالیستی چه وابسته و چه مستقل را از بین می‌برد؟ تا بحثی بر در مبارزه‌ای مناسبات امپریالیستی کار و سرمایه حرکت کرد؟ چگونه می‌توان به قدرت سیاسی برخورد کند، قدرت سیاسی را از میان برد اینجا؟ و سوسیالیسم رابطه امپریالیستی کار و سرمایه را از میان برد اینجا؟

را، بدون فرمانبرداری از مبارزه این یا آن دولت امپریالیستی برمی‌گزارد. و چنین حکومت مستقل و یا وابسته سیاست‌های خود را دقیقا در یک چگونگی به نیازها و حرکت سرمایه در این مقطع مشخص، سیاست ارتجاعی حرکت جنبش کارگری و کمونیستی، ارتجاع حقوق دموکراتیک مردم و یا نوعی دستاوردهای قیام تعریف کرده است. چنین حکومت مستقل و یا وابسته است که شیوه‌های سنتی بود این سیاست را شیوه‌های قهری تضمین نموده است. چنین حکومت مستقل و یا وابسته است که بدون دستور گرفتن فرمانبرداری و مشاوره با سازمانهای یک دولت امپریالیستی، سیاست ترین و اصیل ترین طرح یا دستور ارتجاع، ترور و کشتار را پیدا کرده است! گلوله‌های مستقل و "ضد امپریالیستی" دستان دولتی جنبش کارگری! ترور و اعدام مستقل و "ضد امپریالیستی" دولتی جنبش کمونیستی! جنبش مستقل و "ضد امپریالیستی" باشد خاصه‌ها! توطئه و تاسیس مستقل و "ضد امپریالیستی"! یک توطئه‌ای مستقل و "ضد امپریالیستی" فعالیت سیاسی! اعتبار مستقل و "ضد امپریالیستی" دموکراسی! کشتار مستقل و "ضد امپریالیستی" جلوی کردن! تجاوز مستقل و "ضد امپریالیستی" جلوی کردستان! و دریک کلام، جلوی مستقل و "ضد امپریالیستی" جلوی احیاء! تحکیم و استقرار جمهوری اسلامی! امپریالیستی این نظام استقرار امپریالیستی یک دولت بورژوائی تابع از استقلال خاص و تابع کشور وابستگی دولت‌های یک، خدمتی و اداری به دول امپریالیستی انجام داده و در چنین این استقلال سیاسی هم، دولت وابستگی به امپریالیسم نداشته و در درون چنین مناسبات دیپلماسی امپریالیستی کاملا تحت تاثیر است.

اما آنچه روشن و اساسی است استقلال سرمایه‌داری در کشور تحت سلطه از سرمایه‌داری امپریالیستی جهانی است. تحقیق مبارزه این استقلال سرمایه‌داری کشور تحت سلطه به مفهوم است؟ و چگونگی تحقق امپریالیستی مناسبات کار و سرمایه را قابل تحقیق می‌باشد. و تضاد منافع امپریالیستی مناسبات کار و سرمایه را؟ در تحت سلطه است که تضاد کشمکش میان دولت بورژوازی و رابطه سیاسی بورژوازی با پرولتاریا: دولت بورژوازی و مناسبات‌های بورژوازی مربوط باشد، سرمایه وجود و انتقاد این مناسبات امپریالیستی کار و سرمایه، حتی در مورد تحت استقلال سیاسی کشور تحت سلطه، نمی‌تواند در شرایط عدم وابستگی سیاسی، خلوتی و اداری دولت بورژوائی این کشور به دول امپریالیستی، بورژوازی و دولت او در قبال مبارزه پرولتاریا و اولا در قبال مبارزه دموکراتیک دیگر اقشار مردم، ناگزیر از طرح و اتخاذ سیاست‌هایی در امپریالیستی است. تولید و بازتولید این مناسبات از تضادهای امپریالیستی از روابط روبنائی سیاسی مناسبات خود را بیش از دولت نمی‌تواند. چنین مسئله‌ای چه در مورد مناسبات دولت مستقل و انگار دولت مستقل بورژوائی که به نام پرولتاریا تحت می‌گیرند باید مشاهده کرد که چنین دولتی در مبارزه پرولتاریا تابع بورژوازی و برای تغییر قدرت سیاسی چه جائی دارد؟ باید نشان دهند که دولت سنی و مستقل بورژوائی کدام بیشتر شرط‌های حرکت پرولتاریا را در تغییر قدرت سیاسی و سنج تا حد های دولتی برای سوسیالیسم را بوجود می‌آورد؟ باید نشان دهند که دولت ملی و مستقل و یا وابسته بورژوائی چه مکانیزم مطالبات پرولتاریا دارد؟ مدل پرولتاریای ایران این حرکت که آیا بورژوازی ایران مستقل تلاش را در دفاع از بورژوازی امپریالیستی پرولتاریا سازمان می‌دهد و یا اینکه تحت قیمت بورژوازی یک کشور امپریالیستی؟ اینکه بورژوازی ایران چه مناسبات سیاسی متقابلی با بورژوازی کشور امپریالیستی دارد، حرکت و نیروی او و تولید مبارزه پرولتاریا نیست، حصول پرولتاریا در امپریالیستی که چگونه می‌توان حرکت امپریالیستی را چه وابسته و چه مستقل را از بین برد؟ تا بحثی بر در مبارزه‌ای مناسبات امپریالیستی کار و سرمایه حرکت کرد؟ چگونه می‌توان به قدرت سیاسی برخورد کند، قدرت سیاسی را از میان برد اینجا؟ و سوسیالیسم رابطه امپریالیستی کار و سرمایه را از میان برد اینجا؟

←

از آنجه درمورد عدم شناخت رسالت دولت ملی و مسئله بورژوازی ملی امپریالیسم گفته بخوبی پیداست که دولت بورژوازی نیز مسئول هر مطالبات پرولتاریا نیست و نمی‌تواند باشد. تنها آن دولت واقعا دموکراتیک و واقعا پرولتاریائی است که بازتر در ایجاد مضمون درمناسبات سیاسی متقابل بورژوازی و پرولتاریا باشد. مطالبات دموکراتیکی که پیش‌شرط‌های مبارزه پرولتاریا برای شروع قدرت سیاسی و استقرار سوسیالیسم را فراهم می‌آورد، این مطالبات به معنای سرنگون ساختن قهرآمیز و ارتجاع استبدادی است و نه تغییر شکل این قهر و ارتجاع به شکل "ملی" و "وابسته" و مشابه آن. و نه به معنای سرنوشت حاکمیت امروز آن دولت بورژوائی مستقل و ملی که به معنای تبدیل قهر و ارتجاع امپریالیستی در یک مستقل، "وابسته" و "ملی" با حاکمیت اجرائی از تمام حقوقی و اداری "وابسته" و مستقل در آمده و مورد اتحاد شعوری است در مناسبات سیاسی متقابل بورژوازی کشور تحت سلطه و بورژوازی کشور امپریالیستی. این اتحاد مضمون درمناسبات سیاسی متقابل بورژوازی کشور تحت سلطه و بورژوازی کشور مسلط، یا دولت مستقل و ملی، مطالبه بی‌لیبرالی، جریه امپریالیها و پایه اساسی مثلث دشمنان جریان انقلاب رفرمیستی است. طرح دولت مستقل بورژوائی مضمون یک مطالبه پرولتاریائی "استقلال سیاسی تمامی مونوی در جهت مبارزه مبارزه طبقاتی ایران فاصله و مبارزه نهائی در جهت نابودی امپریالیسم هست می‌باشد" (رزمندگان، درباره جنگ ...). بعض جاری مطالبه‌ای بورژوائی بجای مطالبات مشخص دموکراتیک پرولتاریا، این جاری توسط مائوئیسم رفرمیست هاشمی که به شناخت مارکسیسم درآمده است گفته شد. آنان در ابتدای بحث تمامیت بورژوازی در جنبش کارگری رفرمیست ... رزمندگان، درباره کارگری "اکثریت" با طرح "استقلال سیاسی ایران" و با ... دن مطالبه لیبرالی "دولت بورژوائی مستقل" بعنوان مطالبه ای پرولتاریائی، کارگران را فریب کنونی به اعتراف ارسال ... دائمی علیه حکومت جمهوری اسلامی و به دفاع از این حکومت دعوت می‌کنند.

توجه به این امر که حکومت مطالبه لیبرالی "دولت ملی" در چنین حال بعنوان ابزاری در دست بورژوازی کشور امپریالیستی برای سرکوب پرولتاریای انقلابی و مبارزه پرولتری انقلابی وجود می‌کند. مضمون سوسیال شوینیستهای مارا در ادامه‌ای مشخص عامل وجود بورژوازی در جنبش کارگری بیش از پیش روشن می‌سازد. "نکته دوم" در مثل قول مذکور از "کارگر اکثریت" لنین از آن سوی که "استقلال سیاسی" کشور تحت سلطه کاهی ... برای کارگران ها و سوسیالیستها و دولت‌های آنها از نقطه نظر سیاسی ... سوسیالیستها تعریف شده است. لنین همچنین در کنوانسیون ... مسائل ملی و مستعمراتی، کنگره امستردام سوسیال کمونیستی ۱۹۱۰" به نحوی دیگر به چنین مساله اشاره کرده می‌گوید: "بورژوازی امپریالیستی با تمام قوا می‌کوشد چنین رفرمیستی را در مسائل ملی مستعمراتی ... جا بکشد ... کند. "با همین کمونیست، لنین در موارد از ... آرا ... بورژوائی در کشورهای مستعمره باید بشناسی کنند ... می‌دانیم که این چنین ... انقلابی هستند ... در کشورهای ... بورژوازی کشور ... مبارزه نهائی ... "

لنین و کمونیستهای ... از ترک در چنین ... وظایف ... بورژوائی ... چنین ... که جوانان استقلال سیاسی ... دولت مستقل ... این تمام که ... رفرمیست ... دعا ... کمونیستی ... انقلابی ... مورد ... کمونیستها ... بورژوازی ... کمونیستها ... کشور ... مبارزه ... کمونیستها در کشور ... وابسته ... که در آنها

سیاست سوسیال شرمانه‌داران مستر شده ولذا جنبش کارگری نیز در این کشور هاهم‌پیوسته به مفهوم دقیق آن وجود داشته باشد. برای کشورهای شرمانه‌داری مخت مانند که در این کشورها پرولتاریا ولذا جنبش کارگری وجود دارد وسوی قهرآمیز و سوری محرکه اصلی فرجنبش انقلابی را تشکیل می‌دهد، اهمیت عملی رهنمود لنینی مدعیان مارکسیسم میگردد. سوسیال، لنین و کمونیستهای شمامانه این حقیقت توجه دارند که برای کاتل ها و سیاست ها و دولت های آنان از نقطه نظر سیاست استراتژیک شان، خودبینه حمایت و استفاده از باسوسال - رفرمیسم علیه کمونیستها و استفاده از جریان شاسوسال رفرمیستی علیه جریان پرولتری انقلابی و حمایت و استفاده از مطالبات بورژوازی کشور تحت سلطه برای تشکیل دولت مستقل در خدمت سرکوب جریان عمیقترین انقلابی پرولتاریا "مرتبا بوده‌اند" می‌باشد. مادر مقاله "دوخط در مقابل بورژوازی امپریالیستی" درمورد دگرگونی اساسی ساخت استراتژیک و سیر تاکتیکی امپریالیسم آمریکا با حرکات و مناسبات های رهبری باسوسال - رفرمیسم جنبش انقلابی علیه مشخصات (هردو جناح لیبرالی و خرده بورژوائی بدهی) آن که دولت بورژوائی تاوانست کنونی از دل آن برخاسته (در فضای انقلاب ایران و تداوم آن و استفاده از آن درمقدمه سرکوب انقلاب) به تفصیل سخن گفته‌ایم. در آنجا ما نشان داده‌ایم که چگونه پس از آنکه این رهبری سابسوسال - رفرمیست بر مسند محولات قیام حکومت مستقل و تاوانست خود را مستقر می‌یابد این امکان را فراهم می‌آورد که سیاست امپریالیستی در سرکوب اعتصاب، سیاست دیکتاتوریسم، سرکوب جنبش کارگری و کمونیستی، اعتصاب دموکراتیک و تاوادکردن مبارزه‌های دموکراتیک تمام قرارگیرند. لایحه‌های نوشتی و در لفاظه سیاست مستقل و "امپریالیستی" به پیش برده شود. "حزب سوسیال سوسیالیستهایی که جمع این حکومت را بعنوان حکومتی مستقل و تاوانسته" "امپریالیستی" و "دارای تضاد با امپریالیسم" گفته و می‌گویند، حزبی که خود هم مثلا اتحاد مبارزه آمریکا را پس از آنکه برده ... دانشجویان در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی اعتراف کرد ... اینکه حرکت ما برای جنوبی از ابتدا ... بود که ... مبارزه ... بعنوان "ارمات ضد امپریالیستی" این حکومت ... بعنوان کارگران می‌جنگد. آنا مودی می‌باشند که برای ... بورژوازی ... امپریالیسم آمریکا سم "از نقطه نظر سیاست اعتراف ... چکسان ... می‌شد؟"

این وقتی مادر ایجاد ... سوسیال شوینیستها بعنوان ... بعنوان بورژوازی محدود ... کردیم، ... این ... کشور ... آنها مثلا ... بعنوان بورژوازی ... که ... دولت مستقل و تاوانسته بورژوائی را جلوه‌گر ... مطالبات دروس ... بورژوازی ... کشور ... مبارزه ... بورژوازی ... کشور ... مبارزه ... بورژوازی ... مبارزه ... بورژوازی ... مبارزه ... بورژوازی

به مقدمات کردن یکی از مطالبات عمومی دموکراتیک بعنوان ابزار مرحله دموکراتیک برقرار ساخته است. اما برای سوسیال دموکراتهای ما دولت بورژوائی و سیستم بورژوائی و بکل آن قوانین به مجمع چندوجهی رابطه سیاسی کل بورژوازی با مردم و با دیگر کلام بورژوازی ما با امپریالیسم بعنوان دیکتاتوری بورژوازی با رابطه سیاسی کلی بر مجمع چندوجهی رابطه سیاسی اما بخشیدن بورژوازی با یکدیگر است. اکنون که دیگر بورژوازی ملی انحلال شده است (البته از نظر عملی در موقعیت تمدن) اما برای تضعیف حکومت با واسطه اسلامی (که تعلق قدرت آوردن امپریالیسم دولت بورژوائی مستقل ملی است) تئوری "ترکیب دائمه" "کاست" و غیره را عرضه میکنند و لیست ترکیب خاصی را چنان وضع میکنند که یکی از شعارهای "خلقی" "ضد طبقاتی" و "ضد امپریالیست" - و منتها "حزب بورژوازی سنتی موجه دارای بعد ضد امپریالیسم" - در آن لیست معرفی شده تا مقدمات اعتصار جمهوری این عصر "ضد امپریالیستی" "دموکراتیک" و "ملی" بورژوازی جزء موسی به این عنصر "ضد امپریالیست بودن دولت بورژوائی مستقل" تان قابل دفاع و توجیه باشد. این تئوریهای تضعیف حکومت خمینی و شرکاء بعنوان حکومت ضد امپریالیست در برخورد به جنگ کنونی "تریل" پیاده شدن در موضع سوسیال دموکراسی است. "اکثریت" - راه کارگر و رزمندگان با استفاده از چنین "تریل" تئوریکی است که به موضع سوسیال دموکراسی رسیده اند و در خانه مدفون میشوند که تکاپوئی حاضر و بنا به آنچه نوشته است به موضع اسلامی بوده که گردد که در برخورد به جنگ مرتجعانه امپریالیستی بودن حکومت با واسطه و رابطه ضد امپریالیست بودن حکومت ندارد.

استدلال همراه سوسیال دموکراسی در برخورد به جنگ مرتجعانه این بود که امپریالیسم آمریکا برای سرنگون کردن دولت ضد امپریالیست واسطه اسلامی و روی کار آوردن حکومتی وابسته به امپریالیسم رده و بنابراین ضد حکومت اسلامی از استقلال ایران دفاع کنیم. ما پیوسته نشان دادیم که اولا استقلال سیاسی ایران و وابسته بودن بورژوازی به قدرت و بسیاری با امپریالیسم بعد از تا تاسیس دولت مستقل بورژوائی تا ما مطالبه از بورژوازی است و از چپ این مطالبه بعنوان مطالبه ای برای آرمانی سیاسی اعتلای طبقه بورژوازی در مبارزه کارگری آنها این مطالبه دولت مستقل در شرایط انقلاب ایران در مرحله کلی بورژوازی را به عنوان امر دموکراتیک و کارگران و دهقانان خلقی برخورد نمی کرده و میگفت. حال سیستم که موضع سوسیال دموکراسی در استقلال ایران در کنار حکومت با واسطه اسلامی بگوید در حقیقت سیاست بورژوازی به رهبری بورژوازی انحصاری و امپریالیسم آمریکا حمله کرده - و یا اگر رزمندگان بخواهند با این سیاست "همسوئی" کنند.

سوسیال دموکراسی در برخورد به جنگ اما با مساله قدرت سیاسی از نقطه نظر پروسه ها را کنار گذاشته و بعد دارد که بین بورژوازی "انتخاب" کنند. بعبارت دیگر این موضع که بگوید دو پروسه را مبارزه های خود در انقلاب ایران و رهائی را که حاصل مبارزه اولیه کل بورژوازی جوده در مراحل بعدی کوبی مبارزه کرده - بنا به آن و مبارزه آن برای منافع منافع دموکراتیک خود با مبارزه برای سرنگونی بورژوازی و بدست قدرت سیاسی تلقین میدهد. بنابراین حاضر سوسیال دموکراسی شیوه و [illegible] مبارزه آنها بر این اساس که خود را [illegible] سیاسی بورژوازی، سیاسی که در مرحله و [illegible] جنوبی، اداری و بیطلبانه یک حکومت کنونی به بورژوازی امپریالیستی تحمیل خود گردیده محفوظ مانده و مشخص میکردند، رزمندگان مبارز میگفته رژیم جمهوری اسلامی در مرحله دوم قیام از حکومت ضد اسلامی خود میباشد. اما اگر کسی از این به نوشته که ما در مبارزه خود مشخص شده بودیم، سعی در [illegible] معتقد "رژیم جمهوری اسلامی از موجودیت خود دفاع میکند" [illegible] دارد سوسیال دموکراسی خود استفاده میکند و در برخورد [illegible] باید بدانید که دفاع این حکومت از موجودیت [illegible] سعی تلاش [illegible] بر اوضاع مطلق شدن مناسبات [illegible] مرحله بورژوازی انحصاری و تحول آن به حکومت مستقیم بورژوازی انحصاری، بازار لحاظ حقوقی، اداری و عملی وابسته به بورژوازی انحصاری و امپریالیسم آمریکا. و این تلاش برای مطلق شدن عملا به معنای تشدید سیاست ضد حکومتی، مرکوب جنبش کارگری و اعتراض به رژیم دیکتاتوری از طرف حکومت است. و از طرف دیگر این جنگ که به قبول رزمندگان از طرف حکومت ضد اسلامی هدایت میشود، در صورت مواجه شدن روند پیروزی این جنگ که سوسیال دموکراسی به عنوان مدافع بوده و بعد هم میخواهد به حکومت ارگان سیاسی مرکوب و به تحکیم و بازسازی ارتش و پاسداران اورد و به کلام به تحلیل ثانی رهائی سیاسی تلاشی او برای انحلال بورژوازی ملی و تلاش در مرکوب استقلال و هر دیگر است. این موضوع که حکومت کنونی به به تکوینی و سابقه ثانی مبارزه بورژوازی انحصاری و امپریالیسم آمریکا تحول یافته و از اوائل و بعد به های خارجی [illegible] ارتجاع [illegible] لذا برای سنتی نمود که این حکم [illegible] شده است. این تحول [illegible] که اول [illegible] حاصله [illegible] بنا به [illegible] اعلامیه [illegible] اسلامی و [illegible] "عمومی" و "انحصار" در موج این حکم [illegible] بر این اساس که [illegible] بورژوازی [illegible] بورژوازی در [illegible] و [illegible] تحول [illegible] در جنگ کنونی [illegible] است.

حال، نیز از موضع مولد [illegible] سوسیال دموکراسی خلا و سکتاری [illegible] بعنوان [illegible] بورژوازی در [illegible] کارگری [illegible] و [illegible] رزمندگان [illegible] رزمندگان از خاصیت سوسیال دموکراسی "اکثریت" [illegible] بودن و به طرح این دلیل که حکومت رزمندگان [illegible] رزمندگان [illegible] حکومت را [illegible] سرمقاله رزمندگان ۱۳ [illegible] و رزمندگان [illegible] اعلامیه امپریالیسم آمریکا گوئید. "مطالبه سیاسی با [illegible] داخلی" به طرح [illegible] در برای [illegible] در حقوق بورژوازی [illegible]

"[illegible] وقوع [illegible] که امتداد [illegible] اوضاع [illegible] مبارزه طبقاتی کنونی [illegible] و [illegible] کمونیستها و [illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] این [illegible] که [illegible] کمونیستها [illegible] رزمندگان [illegible] بورژوازی [illegible] امپریالیسم [illegible] بورژوازی [illegible] مبارزه [illegible] بورژوازی [illegible] دارد [illegible] [illegible] اما [illegible] بورژوازی [illegible] اعلامیه [illegible] از مبارزه [illegible] بورژوازی [illegible] امپریالیسم [illegible] مبارزه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

آنچنان که پیداست زرمندگان در ۵ خرداد ماه ۱۳۵۹ بعضی قریب پنج ماه پیش آمادگی رزمی خود را برای اشغال ماکو و سپس (زیر لوای اشغال) بخشی از آن به زعم زرمندگان بخش خرده بورژوازی شهری مرده که باید "تمام" امپریالیسم شمار را نابودی سرمایه‌داری وابسته نمود" ! در دوران بورژوازی تحول در نحوه بورژوازی اعلام میدارد: "صور مرکب مقاوله نامه زرمندگان با حکومت حاکی بوده که "اکثریت" ماهیت خیانت در آسان بورژوازی - یعنی کار ۵۱ را مستر میپارد. زرمندگان از اینکه "اکثریت" معنای عملی مواضع اورا نامه هشتاد به شمار گذاشته ورنوا حاضر - شده میرمی‌آیند. کار ۵۱ را "نقوط زرمندگان اپورتونیسم راست" (زرمندگان ۱۳) میخانند و ۱۰ صفحه تمام سیاه میکند سرشار از عبارت پردازیهای چپ. حاکی از اینکه درست است که این حکومت - اصناج خرده بورژوازی آن | با امپریالیسم "تماد" دارد، اما مشرحیس حکومت - بیشتر که مرکب میکند، کشتار میماند. تاسیس بورژوا کرده وتشبیهات کاذب برای ادامه است ! وبالاخره زرمندگان ماهیت قضیه اعلاء را روی‌کند و میگوید "اکثریت" ساکشکی را ایجاد کرده است که هنوز شرایط آن نرسیده است. موضعی که این شرایط موجد اولا حکومت "دوپاره" خواهد شد؛ یکپاره بورژوازی لیبرال وپاره دیگر خرده بورژوازی دارای "تماد" با امپریالیسم و ثانیا عین حفظ استقلال کامل خود ضمن تضعیف استراتژی خود، ضمن کسب معرفت هرآنچا که بتوانیم، بطور موقت ومتنص وبا شرایط معین با این خرده بورژوازی وارد اتحاد عمل میشویم". اما ازاینهم گفته‌اند "هرآنچه خواندرا بسته بیند، سیر درختام میرسد". بورژوازی خرده خرده بورژوازی دارایا "واقع بینی" خود موجب گرده است. برای زرمندگان لازم بود تا تحول رخ دهد تا بدانجا که ببینند که "... نمایندگان خردوجناح حکومت ... خواستار جنگ کردن توطئه‌های امپریالیسم بوده ودرایس راه میجنگیدند" (باز هم درباره جنگ) - ولی اکثریت از همان خرداد ماه این مساله را دیده ومیگوید "درشرایط کنونی جهت‌گیری عمده امپریالیسم اعمال فشارهای زمستون است" (کار ۵۹) - زرمندگان با "نقد مستقل" خودرا از اکثریت متمایز میپارد. اما قبل از پرداختن به این نقد مستقل زرمندگان کاسی - داستان سلوک زرمندگان به زیر پرچم "اکثریت" را دنبال کنیم.

زرمندگان شماره ۲۶، ۳ تیرماه ۵۹ با مقاله‌ای تحت عنوان "دکتاتوریم روبرتوییم در برخورد به حاکمیت" ظاهر میگردد. این مقاله دوخوا دارد. خوا اول تعدد وتعصبی از "اکثریت" است که علی رغم بسیاری از سرودهای م.ل. که درمورد ترکیب حاکمیت به دکتاتوریم کشیده شده‌اند وقادر به تبیین صحیح ترکیب طبقات حاکمه ووجود خرده بورژوازی سنتی عرضه درحاکمیت نیستند". اکثریت درمورد ترکیب حاکمیت میگوید "تحلیل مشخص را - البته به جیاق زرمندگان - بکار نمیبندد". خوا دوم مقاله (حدس بزنید چه؟) به بیچاره اکثریت داغ روبرتوییم میزند که کور وسی‌نواند بیند که: "این خرده بورژوازی که درطبقات کمیت است چه موضعی در قبال انقلاب ایران دارد؟ این خرده بورژوازی چگونه تا اندازه سودها برنامه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم رسوب میگردد؟ این ارگان های خرده بورژوازی اعم از پاسداران، کمیته‌ها، دادگاه‌های انقلاب وغیره چه میشدند؟" زرمندگان به "اکثریت" میگویند: "شما هم خواهید تحلیل کنید. میخواهید راجع به مساله اساسی [illegible] بحث کوبیده‌اید [illegible] که مساله ماهیت و ترکیب [illegible] به [illegible] خواست از زرمندگان است.

لازم است که درباره [illegible] "ترکیب" و "ماهیت" در مورد زرمندگان بخود [illegible] زرمندگان برای پاسخ به سوالاتی که قوتها درمقابل "اکثریت" گذاشته بود که زمانیکه ۶ ماهه "خاج خرده بورژوازی سنتی عرضه" را رویمیکند. گاوتاد. معای سیاه - سرشار از عمل، کمیاب، ماشور وغیره با دعوت گراهی، و از نگرانی‌ها نتیجه با این اشتباه را بوده گذاشته

ضروری است": زرمندگان با مقاله کارنامه میگوید این است ماهیت حکومت، ماهیت خرده بورژوازی سنتی. ماهیتی ضد انقلابی! ماهیت در مقابل زرمندگان یعنی همان سرود خارجی! وزرمندگان بوضوحی مشاهده این "سرودخارجی" با "اکثریت" موزیکی میکند: بی آنکه هیچ اختلافی در اصل قضیه - یعنی در تحلیل طبقاتی ودر مشروی "ترکیب حداقل‌ریالیستی" حکومت با وابسته جمهوری وشرکا، درمیان باشد.

بدین گونه، انقلاب و "مرزبندی" زرمندگان و "اکثریت" به مرزبندی واختلافی طبقاتی، انقلابی در اساس سیاست ومشی ساکشکی آنان در برخورد به انقلاب ونیز در برخورد به حکومت بلوک انقلابی در جکوکی اتحاد یک سیاست وساکشکی واحد است. "چنان اوضاعی" هم که زرمندگان ۱۳ پیش‌بینی کرده بود ومشی ساکشکی خود را در قبال آن طرح ساخته بود درشکل جنگ کنونی رخ میدهد وزرمندگان سر همان ساکشکی اکثریت را با همین در ملحوظ داشتن مرزبندی در جگونگی اتحاد آن، اتخاذ میکنند. اما دیگر اکنون برای کسی چندان مشکل نیست که یکی بودن ساکشکی زرمندگان و "اکثریت" را با مشاهده این شکل موزیکال نوینیتی آن در سایه زرمندگان بارنه تلاش میافتند (زرمندگان ۵۱، ۲۳/۲۱) که عصور آنکار شده‌اند را درزیر سیوق کار. ۵۱ پنهان سازد ومعدا مبادرت به "مرزبندی" می‌نمایند. اینبار سرزرمندگان همان سوالاتی که بارها مشاهدات مدلم بنظر را حوالت میدهد، مطرح میپارد: "آیا هنوز حاکمه که اپورتوها (سیمرا اپورتونیستها) اوضرابه وسرات جنگ سخن میگوید و آنرا تقدیر میکند، - سه خاطر این "جنگ مقدس" خود با همیشه حاکمه عراق، "جنگ مقدس" برعلیه خلق ایران وجنبش انقلابی را شرک کرده است؟ پاسخ به این سوالات است که هم اپورتونیست هایی واقعا اپورتو برنامه‌ها به مقاومت از جنگ خاطر جمهوری اسلامی سخن میگویند یا رمیگیرند"!

زرمندگان مجدداً برای "پنهان ساختن اپورتونیستها" کارنامه سیاه حکومت را میگشایند: آغاز جنگ با عیسوای همراه است با تشدید جنگ بر علیه خلق کرد، همراه است با حمله کردن وسیاسه و ناسور شریعت، تصفیه معلمان، تسلط منشوری انقلابیون در سیرهای نیز، حکومت‌شده نظامی درهاشم شهر و نمره ادامه عمیق جنگ است. در خوزستان به شدت اند مشک سرودهای گسیخته حمله می‌شود. در اهواز جاده‌ها بسته خلق دور - سن واقع می‌گردد و تعطیل می‌شود. در خوجستا توجکنوس طرح رابع به گسیخته بودن تا ناظم ملاح و دستگیری آنان به دنبال دوروز و ... الخ".

زرمندگان برای این ادعاهات و مواضع ماشی ارائه میکوشد حضور آشکار شده‌اش را در دور "اکثریت" پنهان سازد. "اکثریت" اکنون آشکار را "مرتبه‌ساله به مقاومت از جنگ بخاطر جمهوری انقلابی جلو میکوشد" و "ما زرمندگان مرتبه‌ساله به مقاومت از جنگ به خاطر جمهوری اسلامی مانند برای اتفاق از توده‌های مردم، انقلاب وامدادال ایران - بیان میگوییم. اما زرمندگان علی رغم معاشر درهاشمش در قبل به دفاع از جمهوری اسلامی میپردازد که "اکثریت" میرود عمل حرکتی بی‌گذارد:

زرمندگان میگویند: "دفاع از توده‌های زرام، انقلاب واستقلال ایران در قبال مزدوران عراق سامش بارکستی است که ما نیز با در برنامه مشاهده عملی مسال گرده" (زرمندگان ۱۰) اما توده‌های خرده بورژوا - مثلا دهکده‌ها، وساعدرنی عظیم به دفاع از استقلال و انقلاب خواهند خواهند، وراء زاده بیا [illegible] وسا انقلاب [illegible] خواهند [illegible] توده‌های تیمرمال ایران ترکیب اجاره [illegible] که امپریالیسم [illegible] انقلابی [illegible] رژیم جمهوری اسلامی [illegible] (زرمندگان شماره ۲۰). زرمندگان که مرتبه‌ساله به دفاع از توده‌های مردم سخن میگویند. اکثر در عمل خواهند سخن زاده از رویکرد راه‌های ایران بارنه کنند، جمعا نمیتوان یک جریان سیاسی باشد از خواستهای مطالبات ومنافع توده‌ها "دفاع" نماید وازمنافع

که ... و فرهنگ بورژوایی توده‌ها را برمی‌شمرد و توده‌ها را به درک این منافع و نیازمان ناقص در دفاع برای دفاع از این منافع تشویق می‌کند. فاشیست‌ها: "استقلال سیاسی ایران" و "اجاره ندادن به اینکه امپریالیستها" و مبارزه توده‌ها برعلیه رژیم جمهوری اسلامی پیوند می‌دهد با "دفاع از استقلال سیاسی ایران و اجاره ندادن به امپریالیستها" و پیوند می‌دهد مبارزه توده‌ها را با تلاش جمهوری اسلامی در دفاع از جمهوری اسلامی چه معنای عمیق می‌تواند داشته باشد؟!

جنبش مدافعه‌ای که از درون جمهوری اسلامی بنام آن "مبارزه ضد امپریالیستی" به عنوان موضوع توسعه‌طلبی است که ضد منافعی که زرمندگان تشکیل و بسیار می‌کند بسیار تکاملی است. و این ضد مستقل که زرمندگان و بسیار دلیل است دائم آنرا ضد مستقل کمونیستها بگذارد، در جمهوری اسلامی نیست از ضد دفاع از منافع بورژوایی درون جنبش کارگری و کمونیستی.

کسی که بخواهد کار جنبش بنائی بماند و وظایف کمونیستی خود را عمل کند باید برای کارگران روشن سازد که بورژوازی یک طبقه واحد است و یک سیاست واحد دارد. باید برای کارگران روشن سازد که اساس سیاست واحد را در اشکال و شیوه‌های کنایش "مستقل" تشکیل و بسیار می‌نماید. بنابراین این سیاست را در اشکال و شیوه‌های لیبرالی دنبال می‌کند: جنبش جمهوری اسلامی در اشکال و شیوه‌های دیگری و بسیار در شکل و شیوه‌های خود و زرمندگان مستقل خود. "اکثریت" نیز در شکل و شیوه‌های خود و زرمندگان سرزده شیوه‌خود.

ما کمونیستها باید کارگران را نسبت به سوررات گوناگون سیاست بورژوازی در اشکال متنوع در نزد نمایندگان سیاسی پیشاپیش آگاه سازیم. باید به کارگران بیاموزیم که این یک سیاست واحد بورژوایی است که در آمین رنگ و بر و پیاپی جنبش‌هایی در نزد این یا آن نماینده این طبقه متشکل شده است. باید به کارگران بیاموزیم که خاصیت و سلوک سیاست بورژوازی در نزد خرده‌بورژوازی اسلامی این بود و کمانگان است که اختیارات و راه‌های مختلفی ضد مانند دموکراتیک توده‌ها را مورد مشاهده قرار دهد. ضرورت می‌یابد این بود و ضد که اصل سیاست دموکراتیک کارگران را مورد مشاهده قرار دهد. در مورد اکثریت این است که از مرحله و شعارات انقلابی آسان استفاده کند و در مرحله زرمندگان اساسی اکثریت کمونیست‌ها کارگران بسیار را تحمیل سیاست و زرمندگان را بسیار می‌نماید. تا این مبنا در مرحله معرفی آن عقب و ... استفاده از ایده دراز بورژوایی مستقل و استقلال سیاسی مرحله ... خصلت اپوزیسیون اپوزیسیون اسرار فرصت و سرگرم کارگران و ... است در این مقطع صحنه تاریخی همانطور که ما نشان دادیم ... کردیم ضد ما سیاست بورژوازی آشکار و امپریالیسم آنرا کارگران مرکوب انقلاب ایران عملا عینی و منطبق است. ضد مستقل زرمندگان در دفاع از استقلال سیاسی ایران بیانگر این سیاست می‌باشد ولی ضد استقلالش به استقلال طبقاتی. بلکه نشان استقلالی است که مثلا در "شعاری" که از جنبش تحمیل توده مرحله‌ای شاعر را مستقل از ارزش و ما بازاری در دنبال تجاوز قوای مرتجعه کشورانی استقلال برخورداراست و یا مثلا ... جامعه‌گان دارند و در گرگ که نه از یک ارزش و هم از صنف ... بسیار و وضعیت سیاسی مستقل است.

ما باید به کارگران بیاموزیم که این استقلال مخوف و به ... کشی استقلال این حرب بورژوازی از آن حرب دیگر بورژوازی ... برای است که نمایندگان سیاسی جنبش بورژوازی نتوانند در ... جنبش را مستقل از اقرار مقام نماینده حکومتی این طبقه ... و دروغ‌گوئی ابزارهای قدرت دولتی ... پیش بینند. و ما باید به پرولتاریای آگاه هشدار دهیم که زرمندگان نیز که امروز ... از اوباشیم، مخالف ... کشاری، مرکوب، ... کارت می‌برند، زرمندگانی که کمونیست است و می‌گویند خود را زرمندگان ... دهند، زرمندگانی که در اساس مارکسیم پنهان شده است

و سیاست ناپیوستگان به فرهنگ بورژوازی را در پوشش کمونیسم عرضه می‌کند! این زرمندگان نیز اگر با تعرض روزی بتوانند زیر بیرق کار و ۵۹ مقام حکومتی را اجرا کنند و ابزارهای قدرت دولتی را در دست گیرند و از "استقلال سیاسی ایران دفاع کنند" تا رژیم مصمم پرولتاریای آگاه و انقلابی از دولت بورژوازی مستقل استان چیزی جز گلوله، کشتار، سانسور و تبلیغات کاذب نخواهد بود.

ضد مستقلی که زرمندگان برای دفاع از توده‌های مرده و استقلال سیاسی ایران، تبلیغ و دنبال می‌نمایند، ضد "مستقل" منافع بورژوازی در درون جنبش کارگری و کمونیستی است. زیرا ضد مستقل پرولتاریا، همین که کمونیستها مستقل و نماینده‌گی می‌کنند، تنها می‌تواند با زنان برنامه و تاکتیک و سازمان مستقل پرولتری باشد. کسی که استقلال سیاسی را برای بورژوازی است، کسی که سوسیالیسم از خرده‌بورژوازی است! کسی که مطالبات دولت بورژوازی مستقل و ملی است! کسی که تحلیل طبقاتی از ... کسی که اروپایی از خرده‌سیاست ... با دلیل بودن مبود ها و بدیهه‌های از وضعیت ... "دوگانه" خرده‌بورژوازی است، نمی‌تواند برنامه ... و ... با کمونیستی و لذا سیاست طبقاتی مستقل داشته باشد. ... های جنبش کنی همان سیاست بورژوازی خواهد بود. گرچه از ... خرده‌بورژوازی ... در کنار ... بورژوازی ... و ... در ... بورژوازی ... و ... برای ... و ... و ... اجرای ... بورژوازی ... لی و حتی از ضد موسال ... انکار ... مستقل ... نگذارد. ... کسی می‌تواند سیاست واقعا مستقل و ... داشته باشد که تحلیل طبقاتی داشته باشد. مارکسیستی از ... کار ... طبقات ... حاکم استعدادی که این طبقات برای ... فرض ... باشد؟ برنامه‌ای مارکسیستی برای "استقلال" ... کمیک و ملی باکسیکی ... برای ... تعریف گردد باشد. کسی که اینکار را انجام نداده و ... به شیوه واقعا مارکسیستی نگوشیده باشد. کسی که ... واقعا پرولتری برای انقلاب ... باکسیکی ... سگرده، در هرنقدم خود چاره‌ای جز امادن به طرح‌های سیاسی می‌شمار، خرده‌گیری و عبارت‌پردازی چپ و انقلابی بجای عمل واقعا انقلابی ندارد. جنبش کنی به محض آنکه خود انکشاف ... طبقاتی در یک وضعیت ... منافع ... بورژوازی، ... تلبیغاتی را مسحور ... و ... مطرح ... دیالکتیک در آغوش گرفته بورژوازی ... زرمندگان در موجود به ... به غصه ... کرده است ... که آماده‌ای ... برای امادن در آغوش بورژوازی را داشته و اکنون به آغوش بورژوازی افتاده است. وقتی ما در مقابله "خلال برخورد ... سوسیالیسم خلقی" نشان دادیم که برنامه این جنبش ... برنامه حداقل و هم برنامه حداکثر "سرمایه‌داری ملی و مستقل" است. وقتی که مادر داس باور راستگرایسم زرمندگان که بعنوان "قطب چپ" کمونیست‌ها به رسم بورژوازی خود می‌خواهند ... که "درباره وحدت تصمیم که برنامه این آنها برای جنبش کمونیست سرزنش دادن این حرب به عوض خرده‌بورژوازی است ... معلق بودیم، زرمندگان اکنون نشان می‌دهند که ما ... بارها در مورد اپورتونیستها هشدار داده‌ایم ضد سیاسی که ... جنبش ... می‌کنند، دولت بورژوازی مستقل و ملی، و ... پرولتاریا به عامل اجرائی سرمایه‌داری "مستقل ایران" است.

در خاتمه لازم است که نکته دیگری را نیز متذکر گردیم. در اکثر مقالاتی که دیدروهای چپ و کمونیست درباره جنگ نوشته‌اند، بویژه در مقالاتی پلیمیکی به این مساله اشاره شده است که جنگ ایران و عراق یک "تدبیح"، یک "تحول مرحله‌ای"، ... "جرقه‌ای ... در اوضاع" و ... بنابراین از جمله زرمندگان در اشاره به

این مساله می‌پرسد: "این جنگ عدل و زمان سایش مرجع نبردگاه های اساسی و متدولوژی جریانات مخالف کمونیستی است که اغلب درپس ظاهر آراسته مواضع روزمره پنهان بوده‌اند..." درمبارزه جنگ و...) اگر اشاره به این مساله برای "عزم انجام" مالی کردن دل خرده و "رخوخواهی" ضاعد باید روشن کنیم که اهمیت واقعی سیاسی "تحول سریع" درچیست؟

اهمیت واقعی سیاسی هرتحول سریع دراوضاع درآنست که بالزوم دمیدن وعملی مانع اساسی طبقاتی، تمام نظرات برنامه ای وتاکتیکی جریانات مخالف را، درچگونگی ارزیابی که ازشرایط نوین بدست می‌دهند وشعارها، شیوه‌ها وانگال فعالیت سیاسی که اوج واتحاد می‌یابند. از نقطه نظر اختیار این نظرات برنامه اساسی طبقات اعلی جامعه عملا تنگ زده و به فنا وسوای می‌باشد. برنامه این جولان مرتب وارطرح آنگاه نقش محتوای طبقاتی نظرات برنامه ای وتاکتیکی جریانات مخالف، ومبارزه بین آنان است که جامعه از لحاظ گروهبندیهای ایدئولوژیک - سیاسی هر چه بیشتر به تفکیک وصف‌بندی به جریان عمده طبقاتی یعنی جریان بورژوازی لیبرال، خرده‌بورژوازی دموکرات وجریان انقلابی سوق پرولتری منطبق یا به طبقه اعلی نزدیک ترمی‌گردد. [illegible] جاری سیاسی، جریانات سیاسی ونظرات برنامه‌های "ناوابسته طبقاتی" هرچه بیشتر زوال یافته وسمروهای واقعی مکار خود را دریکی از سه جریان عمده بازمی‌یابند. اهمیت این موضوع از دولحاظ برای کشور ما بویژه ترسیم می‌گردد: اول آنکه کلیه طبقات مردم ایران هنگامی قدم درمبارزه انقلابی گذاشتند و هنگامی وارد کارزار پیکارهای سرنوشتساز شدند که هیچیک از کمترین تدارک برنامه‌ای وتاکتیکی برای انقلاب، ازکمترین تدارک ایدئولوژیک - سیاسی وشعارها، شیوه‌ها وانگال وسیع مبارزه سیاسی آراسته وتنظیم نشده برخوردار نبودند. اینک درپی شرایط انقلابی وتداوم آن کلیه طبقات مردم ایران ضمن مبارزه عینی وسیاسی تدارک برنامه‌ای وتاکتیکی مؤثرتر را نیز انجام داده وراه خاصه سیاسی خود را آماده ساخته وشاخه‌های مختلف، شعارهای مخالف وانگال وشیوه‌های مختلف را درعمل می‌آزمایند. درچنین وضعیت عمومی طبقاتی هرتحول مرتب وهرجند پیچ برای بایستگی‌های مختلف درروشن ساختن، [illegible] وتاکتیک نمودن صفوف طبقات اهمیتی منحصر بفرد می‌یابند. دوم آنکه (که جنبه دیگری ازهمان مورد اول است) جنبش کمونیستی ما که اردلی با سنوات [illegible] مرده بورژوائی وسازوره دموکراتیک‌طلبی برنامه است ناگزیر درنظر خود نقاط‌های هرچه جریان عمده بورژوا - لیبرال، خرده‌بورژوا - دموکرات وانقلابی پرولتری را حمل کرده ومی‌پیرورانند. اهمیت واقعی هرتحول سیاسی برای جنبش کمونیستی دراین است که امکان می‌یابد، وباید، که درمبارزه با جریاناتی که عملا محتوای اصلی الی وخرده‌بورژوائی نظرات برنامه وتاکتیکی‌شان درشعارها، موضعگیری وانگال وشیوه‌های فعالیت سیاسی شان آشکار می‌گردد را از تاثیر جنبش طرد کرده وارگانهای را که موسسه‌اند فرمول انقلابی خود را درپرتو موفقیتی به شوری وتاکتیک سازگیم عمل کنند، در تصحیح نظراتشان یاری دهند واین طریق به تثبیت برنامه وتاکتیک کمونیستی، درتحقق کارگری وباهدف ورزیده کردن شعار ها وشیوه‌های فعالیت انقلابی پرولتری وهرچه تمام تحکیم وحدت با جنبش جریان انقلابی پرولتری بکوشد.

اهمیت این تحول [illegible] دیگر ایران وجزئی ایرانی [illegible] درایرانی است که با آشکار کردن محتوای لیبرالی نظرات برنامه‌ای وتاکتیکی زرمتکاران - واپسگرا راه کارگر - [illegible] جریانات [illegible] آنان به زیر [illegible] بامحکمت کار ۵۹ - که [illegible] ایران با سوال به رادیکالیسم وطنطرا و [illegible] جمهوریشان را [illegible] می‌احمد - وجود [illegible] بورژوا - لیبرالی را در جنبش کمونیستی به [illegible] درآورد، جریانی که [illegible] کمونیست [illegible] وفاداری [illegible] بورژوازی [illegible] جریانی که به [illegible] فرد [illegible] است [illegible] راه جریان کمونیست مبارزه می‌کند. اکنون باید با مبارزه با این جریان [illegible] جنبش [illegible] از جنبش کمونیستی [illegible] "حزب توده" [illegible] بین کردن "حزب توده" - که اکنون [illegible] یک حزب [illegible] در حال زوال است و [illegible] بخش به یک [illegible] جامعه و [illegible] مبارزه و راه [illegible] ایدئولوژیک - سیاسی [illegible] خیزات [illegible] آگاهتر می‌یابند. [illegible] حزب طراز نوین سوسیال - لیبرال ایران را در خارج از جنبش کمونیستی دنبال کند. [illegible] سهم خود در جنبش توان خود دراین راه [illegible] دراین رسته [illegible] دیگری داریم [illegible] کمونیست [illegible] رهنمودهای که جلب رادیکالیسم گذاشت [illegible] این [illegible] که [illegible] مطرح خواهیم کرد.

۲۰ آبان ۵۹

رفقا!

جهت تداوم وگسترش فعالیت‌های خود به کمک‌های مالی شما نیازمندیم.

را بخوانید!

ودرتکثیر وپخش آن ما را یاری کنید